ایران باستان

آداب غذا خوردن در ایران باستان

سخن گفتن سر سفره عامل زیاد شدن دیوها!

سارا پوراحمدی– ایرانیان از دیرباز، حرمت فراوانی برای سفره قائل بوده‌اند. خاموش بودن هنگام صرف غذا برای اجداد ما بسیار مهم بود و شکستن این سکوت، گناهی بزرگ محسوب می‌شد. طبق مندرجات کتاب «شایست و ناشایست» که متنی کهن به زبان فارسی میانه است، سخن گفتن هنگام غذا خوردن، تنها برای کودکان زیر پنج سال و اشخاص کر و لال گناه نبود. اگر کودکی پنج تا هفت ساله مرتکب این عمل ناشایست می‌شد، گناه آن بر ذمهٔ پدرش بود که در آموزش وی کوتاهی کرده است. در کتاب «ارداویرافنامه» که شرح سفر روحانی یک موبد، به نام «ویراز» به جهان دیگر است، در این باره چنین آمده است که «ویراز» در سفر خود به دوزخ، روان مردی را می‌بیند که از گرسنگی و تشنگی فریاد می‌کشد و موی ریشش را می‌کند، خون می‌خورد و کف به دهان می‌آورد. گناه این مرد در این نوشته، آزار دادن خردادامشاسپند و امردادامشاسپند، با سخن گفتن در میان خوردن خوراک بوده است. متن دینی «دینکرد» هم، خاموش نبودن به هنگام غذا خوردن را، موجب آبستنی و از دیاد دیوان بدکار و در نتیجه، رواج بدی می‌داند و این عمل را به شدت نهی و آن را مصداق ناآیینی و بی‌قانونی معرفی می‌کند.

تاریخ اجتماعی

پهلوان فیله همدانی نماد غیرت ایرانی در دوره مغول

پهلوانان در طول تاریخ ایران، همواره پناهگاه مردم در سختی‌ها بوده‌اند. هنگامی که بی‌کفایتی حاکمان، زمینه اشغال موقتی ایران و لگدکوب شدن خاک پاک آن توسط ستوران بیگانه را فراهم می‌کرد، این پهلوانان نامی سرزمین ما بودند که آستین همت را بالا می‌زدند و برای عزت و شرف ایرانی، از جان مایه می‌گذاشتند.

در فرهنگ عمومی ما، پهلوان منصب و جایگاه کمی نیست و پهلوانی، فقط زور بازو و توانمندی جسمی را شامل نمی‌شود. برای مردم کوچه و بازار، پهلوان نماد حمیت و غیرت است. در تاریخ هزار سال اخیر ایران، به ویژه از دوره استیلای مغولان به بعد، نام پهلوانانی همچون پوریای ولی، زینت بخش دفتر نویسندگان و شعر است و شهرتی فراوان در میان مردم دارد؛ آن‌گونه که رسانه ملی در اقدامی در خور تقدیر، برای وی پویانمایی تأثیرگذاری تهیه کرده است. یکی از پهلوانان نامی ایران در دوره مورد بحث ما، پهلوان فیله همدانی است؛ مردی که حماسه او، حتی به کتاب‌های مهم تاریخی، مانند «جامع‌التواریخ» خواجه رشیدالدین فضل‌ا... و «تاریخ جهانگشا»، اثر عطاملک جوینی راه یافته‌است. طبق روایات تاریخی، فیله همدانی که از پهلوانان نامی عصر ایلخانی بود، به همراه جمعی از کشتی‌گیران ایرانی، برای انجام مسابقه به اردوی مغولان در «فارودان»، دعوت شد. این مسابقه را اوگتای، فرزند چنگیز، ترتیب داده بود. او کشتی‌گیران قدرتمند مغولی را به میدان آورد تا با شکست فیله و یارانش، اقتدار چنگیزیان را به رخ بکشد. جایزه مسابقه، ۵۰۰ اسب و ۵۰۰ بالش پر از طلا بود. اما ایرانیان از این آزمون سخت، پیروز بیرون آمدند. یاران پهلوان فیله همدانی، همه رقیبان مغول را مغلوب کردند و خود او، در مصاف با کشتی‌گیر مورد علاقه اوگتای، چنان وی را بر زمین کوفت که حاضران صدای شکستن استخوان کتف‌اش را شنیدند. به این ترتیب، پیروزی پهلوان فیله به عنوان نماد غیرت و قدرت مردم ایران، در تاریخ ماندگار شد.

خفن‌ترین خلاف‌های «آرسن لوپن» ایران!

«مهدی بلیغ» در دهه ۳۰، چگونه کاخ دادگستری را به تاجران عرب و تلویزیون زندان را به نگهبانش فروخت؟

گروه تاریخ– وقتی تاریخ خلافکاری و زندگی‌نامه خلافکاران را مطالعه می‌کنید، گاه به نمونه‌های عجیب و غریبی بر می‌خورید که از کارهایشان، مُخ‌تان سوت می‌کشد؛ نمونه‌هایی که باید آن‌ها را الیت‌های خلافکاری بدانیم! افرادی که معمولاً به آن‌ها «آرسن لوپن» می‌گوییم؛ شخصیت داستانی «موریس لوبلان» که آخر کارهای خلاف بود و همیشه با ترفندهای عجیب و غریب‌اش، کلاه‌های گشاد بر سر آدم‌هایی می‌گذاشت که فکر می‌کردند خیلی زرنگ هستند. اگر کمی دقیق باشید، ردپای این جور آدم‌ها را در تاریخ ایران خودمان هم می‌توانید پیدا کنید؛ آدم‌هایی که البته هیچ‌کدام، آخر و عاقبت درست و حسابی پیدا نکردند، اما حکایت خلاف‌های خفن آن‌ها، روایت مردم کوچه و بازار شد. یکی از این افراد، مهدی بلیغ بود؛ خلافکار معروف دهه ۳۰ که پس از سال‌ها خلافکاری و حبس کشیدن، در آخر هم به جوخه اعدام سپرده شد تا برای بقیه درس عبرت شود. امروز در صفحه تاریخ روزنامه خراسان، می‌خواهیم به سراغ این خلافکار معروف برویم؛ خلافکاری که در زمان خودش، به «آرسن لوپن» ایران معروف شد.

■ **آغاز «شتر دزدی» مهدی بلیغ**

مهدی بلیغ در شهریار به دنیا آمد. کسی اطلاعی درباره تاریخ تولدش ندارد اما مشهور است که سواد نداشت. با این حال، بلیغ خیلی زود در تهران شلوغ دهه ۲۰، با خلافکاران چرخید و جوشید و فهمید که ذهن‌اش توانایی‌های زیادی برای کلاهبرداری دارد! در ابتدا کار را با خلاف‌های کوچک شروع کرد اما بعد تصمیم گرفت که کارش را توسعه بدهد! به همین دلیل شروع کرد به فروختن املاک؛ این کار را به صورت قولنامه نوشتن انجام می‌داد و تا طرف بخواهد موضوع را بفهمد، او خودش را گم و گور کرده بود.

■ **کلاهبرداری در دفتر وزیر دادگستری!**

طبق گزارش روزنامه‌ها و مجلات آن دوره، مانند اطلاعات و تهران مصور، برنامه‌های کلاهبرداری بلیغ ادامه داشت تا این که یک روز مقابل سفارت انگلیس در تهران، به دو تاجر عرب برخورد کرد و فهمید که به دنبال خرید یک ملک بزرگ در تهران هستند. او به سرعت